

# آیین حکمرانی در چهار کتاب سیاسی

عبدالله ناصری طاهری

اسلام تأثیر بسزایی داشته است، از منابعی است که بر این بحث (عدالت) تأکید خاص دارد. بنگرید:

شاه باید بسیار دادگر باشد زیرا همه نیکیها در دادگری فراهم است.

داد، با روی استواری است که از رفتن شاهی و پارگی کشور جلو می‌گیرد. نخستین نشانه‌های بدبختی در هر شهریاری زدوده شدن داد از آن شهریاری است. هر زمان بر سر زمین مردمی درفشهای بیداد به جنبش در آید، شهباز داد با آنها به نبرد برخیزد و بیداد را دور سازد (۳) همو عدالت را عنصر اساسی حکومت می‌داند و معتقد است که:

هر زمان شاه از دادگری سر پیچد، مردم از فرمانبری او سر پیچند. (۴)

در تاریخ آمده است که امیر حمص به عمر بن عبدالعزیز نامه نوشت که مردم حمص را حصنی نیست، اجازه دهد تا حصنی بر پا کند. خلیفه در جواب نوشت:

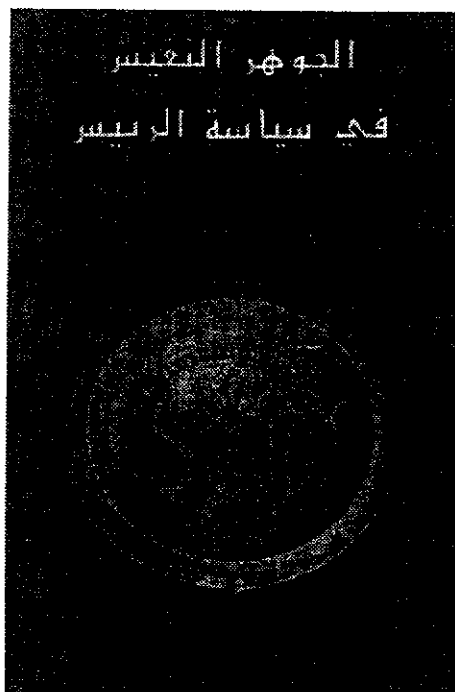
حَصْنَهَا بِالْعَدْلِ وَالسَّلَام. یعنی عدالت را حصار ایشان گردان. تمام. (۵)

سلمان فارسی از پیامبر روایت کرده است که آن حضرت فرمود:

اندیشه سیاسی در تاریخ تمدن اسلامی دامنه وسیعی دارد. طرح فلسفه‌های سیاسی که فلاسفه بزرگی مانند فارابی در انداختند و نیز آثاری که با نامهای سیاستنامه، الاحکام السلطانیة، ادب الامارة، قوانین الوزارة و غیره در حوزه وسیع اندیشه سیاسی قوام گرفته، هر یک کم یا زیاد، شدید یا خفیف، به بحث درباره قدرت سیاسی و شیوه بقای حکومت و دولت پرداخته و اساس ملک و ادب ملکداری را به تصویر کشیده است.

این منابع در تأکید یک اصل اتفاق دارند و آن، اصل حیات بخش عدالت است و این به قول مآوردی در تمام مشاغل معتبر است. (۱) هر چند که مفهوم عدالت در فلسفه‌های سیاسی مانند آراء اهل مدینه فاضله فارابی با مفهوم آن در سیاستنامه‌ها و سایر منابع تاریخی فرق دارد. در اولی، عدالت در محور فضیلت و سعادت جامعه مورد بحث قرار می‌گیرد و در دسته دوم، در محور سلطه سیاسی و به تعبیر آن روزگار 'تغلب'. اما به طور کلی همان طور که نوشته‌اند، بحث درباره عدالت «واسطة العقد» مباحث اندیشه سیاسی است. (۲)

قبل از معرفی متون مورد نظر، نمونه‌هایی از تأکید منابع تاریخی بر این واسطه العقد را ارائه می‌دهیم. کتاب عهد اردشیر که بدون تردید بر اندیشه سیاسی



مَا مِنْ وَالٍ يَلِي شَيْئاً مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا آتَى بِهِ  
يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَدَاهُ مَعْلُوتَانِ إِلَى عُنُقِهِ لَا يَفْكُهُمَا  
إِلَّا عَدْلٌ يَعْنِي هَيْجٌ حَاكِمِي نَيْسْتٌ كَمَا بَرَّ أُمُورِ  
مُسْلِمَاتَانِ حَكُومَتِ كُنْدٍ، مَكْرُورِ قِيَامَتِ دَرِ  
حَالِي كَمَا هَرِ دُو دَسْتِ أُو رَا دَرِ گَرْدَنِ بَسْتِه  
بَاشَنَد، حَاضِرِ شُودِ وَ هَيْجِ چِيزِ دَسْتِهَایِ أُو رَا  
نَگِشَایَدِ مَكْرُورِ عَدْلِ. (۶)

بسیاری از حرکتها و جنبشهای ضد دولتی در تاریخ  
بشریت و تاریخ اسلام به علت ستم کارگزاران و والیان بوده  
است. به مأمون خبر رسید که سپاه خراسان به شورش و  
غارت اموال دست زده است. وی در جواب به عامل خود  
در خراسان نوشت: 'لو عدلت لم يشغبوا'. (۷)

از طرف دیگر در آغاز گسترش اسلام، همین شعار  
عدالت و مساوات بزرگترین عامل پیشروی و تسخیر  
سرزمینها بود. ادریس بن عبدالله، نواده حسن مثنی، پس از  
آنکه از واقعه فح (۸) جان سالم برد و به مغرب الاقصی  
رفت، با شعار عدالت طلبی خود، بربرهای گریز پای را  
جذب اسلام کرد و اولین دولت قدرتمند شیعی را بنیان  
گذارد. بخشهایی از اوکین خطبه هایی را که او در سال ۱۷۲  
ایراد کرده چنین است:

الحمد لله الذي جعل النصر لمن اطاعه و عاقبة  
السوء لمن عانده و لا اله الا الله المتفرد  
بالوحدانية ... ادعوكم الى كتاب الله و سنة  
نبيه و الى العدل في الرعية و القسم  
بالسوية ... اعلموا عباد الله ان من اوجب الله  
علي اهل طاعته المجاهدة لاهل عداوته و  
معصيته باليد و اللسان و فرض الامر بالمعروف  
والنهي عن المنكر (۹).

اکنون در ادامه بحث، به معرفی چهار اثر در آئین  
حکمرانی در اسلام، پرداخته می شود.

#### ۱- الجواهر النفیس فی سیاسته الرئیس

مؤلف آن محمد بن منصور بن حبیب، معروف به  
ابن حداد، و از مردان دولت اتابکان موصل در قرن هفتم و

از نزدیکان بدرالدین لؤلؤ (۶۳۱-۶۵۷ ق) صاحب موصل  
است.

بدرالدین لؤلؤ، غلامی بود ارمنی که نورالدین ارسلان  
شاه بن مسعود بن مودودبن، صاحب موصل، آن را خرید  
و در دربار خود منزلت داد؛ به حدی که ابن واصل حموی  
او را 'استاذ داره و الحاکم فی دولته' (۱۰) معرفی می کند.

ابن حداد به همراه مورخ معروف ابن اثیر و برادرانش،  
در زمره فرهنگیان و عالمان دربار لؤلؤ درآمد و کتاب  
الجواهر النفیس فی سیاسته الرئیس را برای او تألیف کرد. او  
در این کتاب، امراء را به اصلاح وضع موجود، رفع نقایص  
و بزرگداشت عدالت دعوت کرده است. ابن حداد کتاب را  
در ده باب به شرح ذیل، سامان داده است:

فی فضل السیاسة من ارباب الریاسة؛

فی فضل العدل من ذوی الفضل؛

فی فضل الحکم و الاناة من الملوك و الولاة؛

فی فضل العفو المشوب بالصفو؛

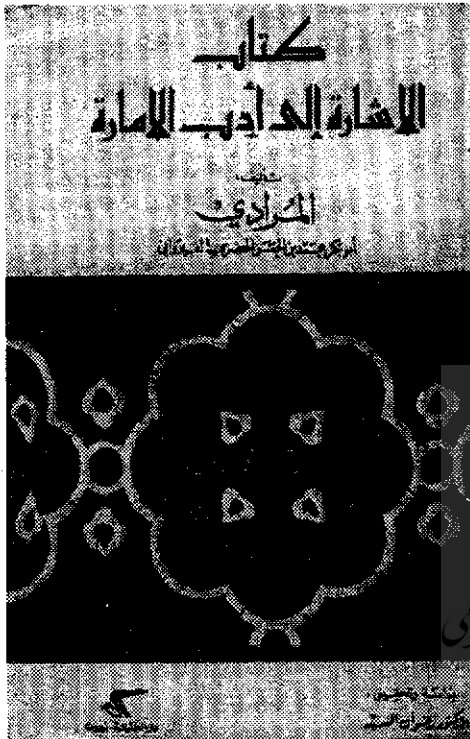
فی اصطناع المعروف الی المجهول و المعروف؛

فی مکارم الاخلاق من متوقری الخلاق؛

فی السؤدد و المروة من ذوی الفضل و الفتوة؛

فی حسن الخلق من الخلق؛

شمال آفریقا است.<sup>(۱۵)</sup> ابن بشکوال او را از فقیهان مالکی در نیمه دوم قرن پنجم دانسته است.<sup>(۱۶)</sup> مرادی از اولین اشعری مسلکاتی است که در نشر کلام و عقاید اشعری در شمال آفریقا کوشید و شاگردش ابوالحجاج یوسف بن موسی کلبی، راه او را دنبال کرد و گسترش علم کلام در مغرب را به خود ختم کرد.<sup>(۱۷)</sup> او هدف از تألیف کتاب را



آموزش ادب ملکداری به امراء ذکر کرده است.<sup>(۱۸)</sup> از منابع اصلی مرادی در این کتاب، *الادب الكبير*، تألیف ابن مقفع است.

مثلاً مرادی سلطنت را به سه دسته، سلطان عدل و امانه، سلطان جور و سیاست و سلطان تخلیط و اضعاف تقسیم می‌کند.<sup>(۱۹)</sup> و ابن مقفع به ملک دین، ملک حزم و ملک هوی. از دیگر منابع او، آثار ارسطو و کلیله و دمنه است. اما کسانی که از این اثر بهره گرفته‌اند، باید از ابن خلدون نام برد که در مقدمه او، همانندیهای فراوان در برخی زمینه‌ها یافت می‌شود. و نیز از ابن رضوان در *الشهب اللامعة فی السياسة النافعة* که دکتر رضوان السید ۲۸ مورد را ذکر کرده است.

مرادی در اهمیت عدل نوشته است: *العدل یزید*

فی فضل المشورة والرأی من ذوی الآراء؛

فی فضل السخاء والجدود المفضل فی الوجود.

وی بر خلاف سایر نویسندگان که در باب 'نصایح الملوك' (و یا به تعبیر زیبای مصحح کتاب، استاد دکتر رضوان السید، 'مرايا الامراء') کتاب نوشته‌اند، به ضرورت و وجوب سلطه سیاسی تأکید نمی‌کند. وی علاوه بر آنکه هر فصل را با حدیث نبوی یا آیه ای آغاز می‌کند. که احادیث غیر معتبر نیز فراوان به چشم می‌خورد. به سخن حکما و فلاسفه نیز استناد می‌کند. آنچه از منابع و مصادر ابن حداد می‌توان اشاره کرد، بدین شرح است: *عیون الاخبار ابن قتیبه، الفاضل والکامل ابن مبرد، العقد الفرید ابن عبدربه، تذکره ابن حمدون، القلائد یا احسن المحاسن رُحجی، لباب الآداب اسامة بن منقذ.*

ابن حداد قائل به دو سیاست است:

سیاسة الدین و سياسة الدنيا: فسیاسة الدین ما أدى الى قضاء الفرض، و سياسة الدنيا ما أدى الى عمارة الارض. و کلاهما یرجعان الى العدل الذی به سلامة السلطان و عمارة البلدان<sup>(۱۱)</sup>.

عین این عبارت را ماوردی در *آدب الدنيا والدين* ذکر کرده است<sup>(۱۲)</sup> و قریب به این مضمون در *لباب الآداب*، تألیف اسامة بن منقذ، و *القلائد* نوشته رُحجی آمده است.<sup>(۱۳)</sup>

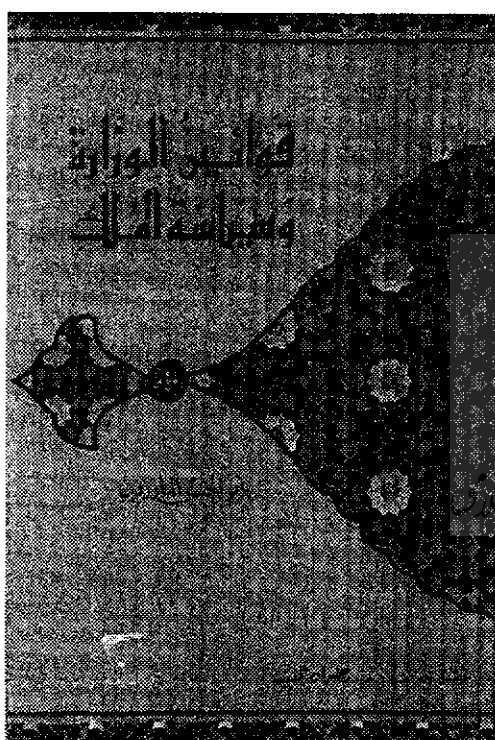
مخدوم ابن حداد، بدرالدین لؤلؤ، همان طور که در تاریخ آمده است، همچون بسیاری از فرمانروایان، از دشمنان می‌ترسید و دولتمردانش نسبت به رعایا، سنگدل و بیرحم بودند. ابن حداد در این کتاب به استناد سخن حکیمان می‌نویسد: *شرُ خصال الملکوک الجبن عن الاعداء، والقسوه علی الضعفاء، والبخل عند الاعطاء*<sup>(۱۴)</sup>.

## ۲- الاشارة الى ادب الامارة

نویسنده کتاب، ابوبکر محمد بن حسن حضرمی قیروانی، معروف به مرادی، از دولتمردان مرابطین در

سلجوقیان از دستگاه خلافت عباسی حمایت کرد و با نظرات سیاسی خود ارکان خلافت را تثبیت کرد.

او در زمینه اندیشه سیاسی پنج اثر بر جای گذاشت. الاحکام السلطانية، که در واقع اولین و مهمترین اثر مدون در فقه سیاسی اهل سنت است، تسهیل النظر و تعجیل الظفر در اخلاق پادشاه و سیاست ملکداری، تصیحة الملوك همانطور که از نامش پیداست پند و اندرز به سلاطین است، ادب الدنيا والدین تین کننده مثنی سیاسی و سلوک اجتماعی برای همه مردم است و بالاخره قوانین



الوزارة و سياسة الملك. این کتاب سبک و سیاق تسهیل النظر و تعجیل الظفر را دارد با این تفاوت که مخاطب به جای پادشاه و رئیس حکومت، وزیر است.

ماوردی این کتاب را در هشت فصل به شرح ذیل

پرداخته است:

- فی معنی الوزارة
- الدفاع مهمة الوزير
- من مزايا الوزير و صفاته الاقدام
- فی الحذر
- التقليد والعزل

السلطان فی علوه و ینصره علی عدوه والعدل أنصر من الرجال<sup>(۲۰)</sup> در جای دیگر می نویسد: «اربعة اشياء اذا اجتمعت فی السلطان کثر صحبه و وجب حبه، العدل والبذل والتحبب والرفق<sup>(۲۱)</sup>».

مرادی از فرمانروایان و کارگزاران حکومت می خواهد تا در معیشت اجتماعی میانه رو و معتدل بوده وزی اشرافی را رها کنند: «اول ما اوصیک ... ان تاخذ نفسک با اعتدال فی جمیع الاحوال فی مطعمک و مشربک و ملبسک و منکحک و نومک<sup>(۲۲)</sup>» و نیز گاهی برای همراه شدن با مردم و درک واقعیتهای اجتماعی، از غذای خشن تغذیه کنند، کار سخت برگزینند و پیاده راه روند. <sup>(۲۳)</sup> چرا که به قول غزالی، خلق و خوی حکام در مردم اثر می کند: «بدان که پارسایی مردمان از نیکو سیرتی ملک بود ... بهر روزگار مردم رغبت آن کنند که سلطان ایشان کند از بد کردن و بد گفتن و آرزو و کام راندن<sup>(۲۴)</sup>».

تاکید مرادی بر عاقبت اندیشی سلطان

«اضبط اصول دینک باعتقاد الحق و التنزه عن الکبائر، و اضبط اصول دنیاک بالتقدير والنظر فی العواقب ولا تفرج اذا عظمت بالمال والسلطان. فانهما ظلان زائلان ولكن تفرج اذا عظمت بالعقل والديانة والعلم والمروه<sup>(۲۵)</sup>» مردم را به جای خود گذاشتن و خود را به جای مردم در نظر گرفتن بهترین راه برای آینده نگری در تصمیم هاست.

«اذا اراد السلطان ان يفعل فعلا» من الافعال فلينظر كيف كان الفعل عنده و عند الناس فان كان عنده صالحا « و عند الناس فاسدا» فليترکه ما استطاع<sup>(۲۶)</sup>»

### ۳- قوانین الوزارة و سياسة الملك

ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب ما وری که با اثر مهم اش - الاحکام السلطانية - او را می شناسیم این کتاب را پدید آورده است.

او که باید فقیه خلافتش نامید، بیشتر دوران حیات خود را در عصر القادر بالله (۳۸۱-۴۲۲ هـ) و القائم بامرالله (۴۲۲-۴۶۷ هـ) سپری کرد و در مقابل آک بویه و سپس





- العزل

- وزارة التنفيذ

- في الحقوق

ماوردی یکی از وظائف وزیر را دفاع از رعیت می داند.

الدفاع عن رعیته من خوف و اختلاف من نتائج الإهمال و كلاهما من سوء السيرة و فساد السياسة لترددهما بین تفريط و افراط، و خروجهما عن العدل الى تقصير و اسراف ... فلن يستقیم ملک فسدت فيه احوال الرعايا (۲۷) در جای دیگر به تفصیل پیرامون شرایط عزل وزیر سخن می گوید و تأکید می کند عزل وزیر جز به علتها و سببها جایز نیست و از این علل است، بی کفایتی، خیانت به سلطان، نیاز به او در موقعیت برتر و یا وجود وزیر شایسته تر (۲۸).

و اغتشاشات سیاسی صفحه شرقی جهان اسلام را فرا گرفت تا ظهور دولت زنگی و ایوبی که مجدداً همان سیاست خواجهی و ملکشاهی دنبال شد. ظاهراً داستان 'الاسد و الغواص' در همان دوره اضطراب دوم (فاصله تجزیه سلاجقه تا ظهور ایوبیان) نوشته است.

در این داستان که با چارچوب کلی کلیله و دمنه هماهنگی دارد، اسد همان سلطان است و غواص عالم زاهدی که شاهد بحرانهای سیاسی-اجتماعی در دولت است و پیشنهاد همکاری و مشاورت به شاه را برای حل این بحرانها می دهد. غواص، شیر را نصیحت می کند. نصایح او حول وحدت سلطه و جامعه است.

تفاوت این کتاب با کلیله و دمنه در آن است که غواص بر خلاف دمنه که کاتب دیوانی است و در پایان داستان کشته می شود، فقیه مستقلی است که تا پایان حکایت باقی مانده و از موضع قابل توجهی، خود را مسئول جامعه و دین دانسته و خواهان بقای حکومت و سیاست در حدود شریعت می باشد. به عبارت دیگر در این مورد همچون الاحکام السلطانية و تسهیل النظر و تعجیل الظفر ماوردی یا سراج الملوك طرطوشی نوشته شده، نه همچون کلیله و دمنه یا نصیحة الملوك غزالی و یا الجواهر النفیس فی

ماوردی بقای دولت و حکومت را در هشیاری می داند و می نویسد: من علامة بقاء الدولة قلة الغفلة (۲۹).

#### ۴- الاسد والغواص

این کتاب داستانی سمبلیک از نویسنده گمنامی است که در اوایل قرن ششم هجری نوشته شده. همانطور که می دانیم در آن روزگار جهان اسلام از نظر سیاسی و فکری اهمیت خاصی داشت، سیطره آل بویه بر بغداد و سپس نفوذ سلاجقه ترك به حیطة خلافت، تبلیغ گسترده فاطمیان علیه خلیفه عباسی به عنوان جانشینان غاصب و درگیریهای فرقه ای علمای اهل سنت را بر آن داشت تا از خلافت عباسی دفاع کرده و شایستگی آن را اثبات کنند. آغازگر این جریان مهم را همانگونه که اشارت رفت باید ابوالحسن ماوردی دانست. او با طرح 'امارت استیلاء' و برتری شان آن بر 'امارت استکفاء' بر مشروعیت قدرتهای سیاسی مورد تأیید خلافت صحنه گذاشت. البته فعالیتهای فکری عالمانی چون ابوبکر باقلانی، عبدالقاهر بغدادی و امام الحرمین جوینی نیز در این راستا قابل توجه است.

در عصر خواجه نظام الملک و ملکشاه سلجوقی این فعالیتهای به ثمر نشست و پس از مرگ ایندو مجدداً شورشها

سیاسة الرئيس ابن حداد که به استقلال فکری و عملی فقیه اعتقادی ندارند.

غواص، پادشاه را به ضرورت فراگیری و خواندن اخبار پیشینیان دعوت می کند<sup>(۳۰)</sup>. پادشاه طفره می رود. غواص به او نصیحت می کند چون المرء لا يقدر ان يعيش الف سنة فيجرب بل يقدر ان يقرأ اخبار الناس في الالوف السالفه فيكون كانه قد عاش معهم و جرب تجاربهم<sup>(۳۱)</sup>.

در اواخر حکایت و در باب نوزدهم که سلطان (اسد) از صحبت های فقیه (غواص) مایوس شده می گوید: اوصني<sup>(۳۲)</sup> فقیه می گوید: سیاست بر دو قسم است یکی حفظ مملکت است که با عدل و نیک رفتاری تدبیر می شود و دیگری دور کردن دشمن.

فاما القسم الاول فيحتاج الي شده البحث عن امور المملكة و احوال الرعية ... و مما يحتاج اليه في هذا القسم الصدق في الوعد والوعيد فانه كان يقال: فساد العباد و خراب البلاد بابطال الوعد والوعيد<sup>(۳۳)</sup>.

در ادامه حکایتی را نقل می کند که از پادشاهی پرسیدند که عامل زوال دولت تو چه بود؟ در جواب گفت: دفع عمل اليوم الى الغد<sup>(۳۴)</sup>.

و تحتاج في القسم الآخر، الى اذكاء العيون و شده البحث عن الاخبار<sup>(۳۵)</sup>.

نویسنده در پایان حکایت، سلطین را به پرهیز از دنیاگرایی توصیه می کند:

ان لذة الدنيا كثره الربيع يعود بعد قليل شوکا<sup>(۳۶)</sup>.

۱- ابوالحسن ماوردی. الاحکام السلطانية. (بیروت، دارالکتب العلمیة). ص ۸۴.

۲- سید جواد طباطبائی. در آمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران. (چاپ دوم: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی). ص ۶۲.

۳- عهد اردشیر. ترجمه محمد علی امام شوشتری. (انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸). ص ۱۰۸.

۴- همان. ص ۱۱۵.

۵- ظهیری سمرقندی. اغراض السياسة فی اغراض الرياسة به اهتمام جعفر شعار. (تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹). ص ۲۹۷.

۶- میر سید علی همدانی. ذخیره الملوك. به اهتمام سید محمود انواری. (انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۵۸). ص ۲۱۸.

۷- مسعودی. مروج الذهب ج ۴، ص ۲۹۹؛ ابن کثیر. البداية والنهاية. ج ۱۰، ص ۲۷۹؛ سیوطی. تاریخ الخلفاء، ص ۳۲۷.

۸- قیامی بود به رهبری حسین بن علی بن حسن بن حسن بن علی (ع) علیه هادی عباسی در سال ۱۶۹ هجری، که در موضع فخر نزدیکی مکه سرکوب شد.

۹- الادارسة. محمود اسماعیل. (قاهره، مکتبه مدبولی، ۱۴۱۱). ص ۵۷.

۱۰- مفرج الکروب. تحقیق جمال الدین الشیال. (قاهره، ۱۹۵۳-۱۹۷۲). ج ۳، ص ۲۰۲.

۱۱- الجواهر النفیس. ص ۶۱.

۱۲- ماوردی. ادب الدنيا والدين. تحقیق مصطفی سقا. دارالفکر. ص ۱۳۸.

۱۳- الجواهر النفیس. مقدمه، ص ۳۹.

۱۴- همان. ص ۱۱۲.

۱۵- از ۴۵۳ تا ۵۲۱ در شمال آفریقا و مناطقی از اندلس حکم راندند.

۱۶- الصلة (قاهره، ۱۹۵۵). ج ۲، ص ۶۰۴.

۱۷- الاشارة الى ادب الامارة، تحقیق رضوان السید. (بیروت، دارلطیقه، ۱۹۸۱). ص ۱۲. به نقل از الغنیه قاضی عیاض، ص ۲۸۲.

۱۸- همان. باب دوم، (ص ۵۷-۵۹).

۱۹- الاشارة الى ادب الامارة. ص ۱۴۵.

۲۰- همان. ص ۱۴۶.

۲۱- همان. ص ۷۵.

۲۲- همان. ص ۹۱.

۲۳- نصیحة الملوك. تصیح مرحوم همایی. ص ۱۰۷-۱۰۸.

۲۴- الاشارة الى ادب الامارة، ص ۸۹.

۲۵- همان منبع، ص ۱۴۵. ظهیری سمرقندی در اغراض السياسة فی اغراض الرياسة نیز اولین شرط پادشاهی و حکومت را همین می داند.

ص ۲۵۲. چاپ دانشگاه تهران. ۱۳۴۹، باهتمام جعفر شعار.

۲۶- ماوردی- قوانین الوزارة و سياسة الملك، تحقیق رضوان السید، ص ۱۵۵. دارالطیقه، بیروت، ۱۹۷۹ م.

۲۷- همان منبع، ص ۱۹۷-۱۹۸.

۲۸- همان منبع، ص ۶۷.

۲۹- چاپ دوم، ۱۹۹۲ م به همت دکتر رضوان السید.

۳۰- ر. ک: الاسد والغواص، ص ۱۰۳. باب منفعة العلم و الاخبار للملوك.

۳۱- همان منبع، ص ۱۰۵. در اهميت فراگیری تاریخ ر. ک: وصیت امام علی (ع) به فرزندش امام حسن (ع) در نهج البلاغه.

۳۲- همان منبع، ص ۱۸۲.

۳۳- همان منبع، ص ۱۸۳.

۳۴- همان منبع، ص ۱۸۴.

۳۵- همان منبع، ص ۱۸۵.

۳۶- همان منبع، ص ۱۹۴.